

## درس دوم : سنت مقدس

### قسمت اول

سنت هر تعلیمی است که از طریق رسولان و پدران به ما سپرده شده اما در کتاب مقدس بدان اشاره‌ای نشده است، لیکن با آن مغایرتی ندارد.

سنت الهی را که مقدس و مفید است را نباید با سنت های انسانی که آلوده به خرافات و رسوم فرهنگی متضاد با کتاب مقدس می باشند اشتباه کرد. کتاب مقدس اولی را توصیه و دومی را منع می کند.

سنت یعنی تعالیم شفاهی رسولان و شاگردان آنها.

پروتستان‌ها برخلاف ارتودکسها و کاتولیکها به سنت مقدس اعتقاد ندارند. آنان تنها از کتاب مقدس پیروی می کنند و بدین شکل، از میراثی که از نسلهای پیشین به ما رسیده محروم می شوند: از نوشته‌های رسولان و پدران کلیسا، ضوابط شوراهاى مقدس (مانند اعمال ۱۵)، کانون‌های کلیسا و مقررات، آیینهای کلیسایی و سنتهایی که دهان به دهان به ما رسیده‌اند.

ما به کتاب مقدس احترام کامل می گذاریم ولی معتقدیم برای تفسیر کتاب مقدس کلیسا از سنت رسولان و پدران کلیسا کمک می گیرد. کتاب مقدس را کلیسا و رسولان تفسیر می کند. (اعمال ۳۱:۸)

شعار فقط کتاب مقدس که مخصوص پروتستانها است خود در کتاب مقدسی نمی باشد. علاوه بر آن خود کتاب مقدس بصورت مستقیم و غیر مستقیم در خصوص حفظ سنت های الهی تعلیم می دهد.

خود کتاب مقدس بوسیله کلیسا و سنت تأیید و به ما رسیده است.

کلمه تثلیث که رکن مسیحیت می باشد در کتاب مقدس نیست و بوسیله کلیسا و سنت به ما رسیده است.

### سنت از کتاب مقدس دیرینه تر است و به زمان پدر ما آدم بر می گردد

انسان هزاران سال قبل از موسی بدون شریعتی مکتوب می زیست. چه کسی افکار بشر را هدایت می کرد؟ از یک سو وجدانشان (شریعت معنوی) و از سوی دیگر سنت، که از نسلی به نسل دیگر سپرده می شد.

مثالهایی که نشان می دهد سنت مقدم تر از شریعت مکتوب است.

(۱) در کتاب پیدایش نوشته شده است که هابیل، آن مرد صالح، فربه‌ترین قسمت گله خود را آورد. (پیدایش ۴:۴) رسول توضیح می‌دهد که: «با ایمان بود که هابیل قربانی‌ای نیکوتر از قربانی قائن به خدا تقدیم کرد» (عبرانیان ۱۱: ۴). حال می‌پرسیم:

چگونه هابیل می‌دانست که باید قربانی نیکو تقدیم خدا کند؟ از کجا آن ایمان را به دست آورده بود؟ در آن زمان هیچ شریعتی نوشته نشده بود.

بدون شک، او این معرفت را از طریق سنت (تعالیم شفاهی) پدرش آدم که از خدا یافته بود، به دست آورد. این واقعه چهارده قرن پیش از اینکه موسی در مورد قربانی نیکو بنویسد اتفاق افتاد.

(۲) در مورد قربانیهای سوختنی که پدران ما نوح، ابراهیم، اسحاق و یعقوب گذراندند.

آنان در مورد نیت قربانی نیکو، از طریق سنتی که به ایشان سپرده شده بود آگاه بودند. همان درباره ساخت مذبح نیز نوشته شده بود. پس از طوفان، پدر ما نوح «مذبحی برای خداوند بنا کرد» (پیدایش ۸: ۲۰) و پدر ما ابراهیم، مذبحی در بلوستان موره بنا کرد. (پیدایش ۱۲: ۷) از آن پس اندیشه ساخت مذبح ادامه یافت، در زمانی که هنوز کتاب مقدس نبود تا به آنان امر کند که مذبح بسازند.

(۳) در کتاب مقدس نوشته است که پاتریارک ما نوح از هر بهیمه پاک و هر پرنده پاک گرفته و قربانی‌های سوختنی بر مذبح گذراند و خداوند بوی خوش بوید. (پیدایش ۸: ۲۰، ۲۱) نوح از کجا معرفت گذراندن قربانی سوختی از حیوانات پاک را یافته بود؟ او باید آن را مستقیماً از خداوند دریافت می‌کرد و به نسلهای بعد از خود می‌سپرد، پیش از آنکه موسی طریقه قربانی حیوانات پاک را در تورات ثبت کند.

(۴) در واقعه ملاقات پاتریارک ما ابراهیم با ملکيصدق، آمده است که ملکيصدق «کاهن خدای تعالی بود» (پیدایش ۱۴: ۱۸). چگونه مرتبه کهنات بنیاد نهاده شد؟ چه کسی به ملکيصدق این اقتدار را داد تا ابراهیم را برکت دهد و کدام قانون ابراهیم را بر آن داشت تا از هر چیز به ملکيصدق ده یک دهد؟ (پیدایش ۱۴: ۲۰)

در آن زمان هنوز هیچ شریعتی در توضیح مرتبه کهنات و امتیازات، وظایف و برکت دادن به دیگران، نوشته نشده بود. در باب‌های پیشین کتاب پیدایش، هیچ اشاره‌ای به کلمات «کاهن» و «کهنات» نشده است. از چه طریق دانش کهنات آمد جز از طریق سنت؟

(۵) در همان قسمت از ملاقات ابراهیم با ملکيصدق، می‌بینیم که ابراهیم «از هر چیز ده یک داد» (پیدایش ۱۴: ۲۰). در آن زمان پاتریارک ما ابراهیم از کجا می‌دانست که باید به کاهن ده یک دهد، بجز

از طریق سنت؟ در شریعت مکتوب، هنوز شریعتِ دادنِ ده یک نوشته نشده بود.

این همچنین شامل پدر ما یعقوب نیز می شود: او چگونه می دانست که باید ده یک بدهد، آنگاه که به خداوند گفت: «... و آنچه به من بدهی، ده یک آن را به تو خواهم داد» (پیدایش ۲۸: ۲۲). شکی نیست که او شریعتِ دادنِ ده یک را از طریق سنت، از پدر بزرگش ابراهیم دریافت کرده بود، که به ملک‌یصدق ده یک داد بدون اینکه شریعتی مکتوب داشته باشد. مشخص است که سنت، پیش از اینکه شریعت مکتوب شود و بماند، معلم تمام نسل بشر بود.

(۶) ما می خوانیم که هنگامی که یعقوب از دست برادرش عیسو می گریخت، نردبانی دید که از زمین به سمت آسمان بر پا شده بود، و فرشتگان خدا بر آن صعود و نزول می کردند، و خداوند با او سخن گفت و عهد بست. در کتاب مقدس آمده که یعقوب گفت: «البته بیهوش در این مکان است ... این نیست جز خانه خدا و این است دروازه آسمان» (پیدایش ۲۸: ۱۶، ۱۷). و او آن مکان را بیت ایل نامید که به معنای «خانه خدا» می باشد. او سنگی را که زیر سر خود نهاده بود گرفت و چون ستونی برپا داشت و روغن بر سرش ریخت. (پیدایش ۲۸: ۱۸)

پدر ما یعقوب از کجا عبارت «خانه خدا» را آموخته بد؟ او چگونه این معرفتِ تخصیص دادنِ خانه خدا با ریختن روغن بر آنها را یافته بود؛ در حالیکه در شریعت مکتوب چیزی در این مورد نوشته نشده بود؟ هیچ توضیحی نمی توان ارائه داد جز راه سنت.

(۷) حتی مشاهده می کنیم که نویسندگان عهد جدید درباره وقایعی از عهد عتیق نوشته اند که از طریق سنت بدانها رسیده بودند. برای مثال، پولس قدیس، نام دو جادوگر را برده که در مقابل موسی ایستادند. او گفت: «همانگونه که ینیس و یمبریس به مخالفت با موسی برخاستند، این مردمان نیز ... با حقیقت مخالفت می ورزند» (دوم تیموتائوس ۳: ۸). ما نمی توانیم اسامی آن دو جادوگر را حتی در کتب موسی و در تمامی عهد عتیق بیابیم. پولس رسول این اسامی را باید از طریق سنت یافته باشد.

(۸) سنت که در عهد عتیق انتقال داده می شد، در عهد جدید نیز به همان گونه بود. پیش از آنکه انجیل یا رساله ای نوشته شود مدت زیادی سپری شد. در مدت تقریباً بیست سال، مردم تمام ایمان خود و تمام داستان زندگی مسیح و همه تعالیم را از طریق سنت دریافت می کردند.

سنت ها هستند که نویسندگان سه انجیل هم نظر را به ما معرفی کرده اند نه کتاب مقدس.

(۹) خود مسیح خداوند، هیچ انجیلی نوشت و همچنین هیچ انجیلی مکتوبی نیز بر جای نگذاشت، تا زمانیکه او موعظه می کرد و تعلیم می داد، سخنانش روح و حیات بود (یوحنا ۶: ۶۳) برای مردمانی که

بعداً آنها را گسترش دادند. وقتی خداوند تعالیم و موعظه‌هایش را آغاز کرد، به مردم گفت: «زمان به کمال رسیده و پادشاهی خدا نزدیک شده است. توبه کنید و به این انجیل ایمان بیاورید» (مرقس ۱: ۱۵). در آن زمان هیچ انجیل [بشارت، خبر خوش] مکتوبی نبود اما موعظه‌های «خبر خوش» از طریق بشارت گفتاری یا تعالیم الهی بیان می‌شد. همان معنی در مورد کلام خداوند به شاگردانش صدق می‌کند که: «به سرتاسر جهان بروید و خبر خوش را به همه خلایق موعظه کنید» (مرقس ۱۶: ۱۵). این دستور تنها در محدوده نوشتاری نبود.

### کتاب مقدس همه چیز را ذکر نمی‌کند

**(الف)** کتاب مقدس همه آن چیزهایی را که مسیح خداوند کرده و گفته است ذکر نمی‌کند. حقیقت این است که انجیل نویسان قسمتی از سخنان و اعمال مسیح خداوند را انتخاب و در زمان مقرر بخاطر مردم ثبت کردند. این از انجیل یوحنا مکشوف است چنانکه می‌گوید: «یسوع کارهای بسیار دیگری نیز کرد که اگر یک به یک نوشته می‌شد، گمان نمی‌کنم حتی تمامی جهان نیز گنجایش آن نوشته‌ها را می‌داشت (یوحنا ۲۱: ۲۵)» و همچنین: «یسوع آیات بسیار دیگر در حضور شاگردان به ظهور رسانید که در این کتاب نوشته نشده است. اما اینها نوشته شد تا ایمان آورید که یسوع همان مسیح، پسر خداست و تا با این ایمان، در نام او حیات داشته باشید». (یوحنا ۲۰: ۳۰، ۳۱)

تصور نکنید آیات و معجزاتی که مسیح به ظهور رسانید، فقط همان‌هاییست که در کتاب مقدس ذکر شده است، زیرا هزاران معجزه دیگر ثبت نشده است. برای اثبات این ادعا، به سخنان لوقای انجیل نویس اشاره می‌کنیم: «هنگام غروب، همه کسانی که بیمارانی مبتلا به امراض گوناگون داشتند، آنان را نزد یسوع آوردند، و او نیز بر یکایک ایشان دست نهاد و شفایشان داد». (لوقا ۴: ۴۰)

آن بیماران چند نفر بودند؟ بسیار زیاد. تمام شفاه ثبت نشده است. معلم ما متای انجیل نویس می‌گوید: «بدین سان، یسوع در سرتاسر جلیل می‌گشت و در کنیسه‌های ایشان تعلیم می‌داد و بشارت پادشاهی را اعلام می‌کرد و هر درد و بیماری مردم را شفا می‌بخشید». (متی ۴: ۲۳)

جزئیات این «شفا دادن هر بیماری» چیست؟ ثبت نشده است.

در مورد تعالیم خداوند در کنیسه‌ها و موعظه‌هایش چطور؟ آنها نیز ثبت نشده است.

معلم ما مرقس انجیل نویس می‌گوید آنگاه که مسیح به کفرناحوم رفت، به کنیسه داخل شد و «به تعلیم دادن پرداخت. مردم از تعلیم او در شگفت شدند، زیرا با اقتدار تعلیم می‌داد، نه همچون علمای دین». (مرقس ۲: ۲۱، ۲۲) این تعالیم چه بود که آنها را شگفت زده کرده بود؟ مکتوب نیست.

در معجزه پنج نان و دو ماهی، مسیح، از صبح تا نزدیک غروب به مردم تعلیم می‌داد. چه چیزی تعلیم

می‌داد؟ چیزی در اناجیل ثبت نشده است. تعالیم مسیح در کنار دریاچه، در ساحل دریا، در قایق و در معابر، کجا نوشته شده است؟ نمی‌دانیم، زیرا هیچ جزئیاتی در اناجیل نوشته نشده است.

(ب) پس از رستاخیز خداوند، همین وضعیت را می‌یابیم. مسیح خداوند دو تن از شاگردان را در عمائوس ملاقات کرد، و «از موسی و همه انبیا آغاز کرد و آنچه را که در تمامی کتب مقدس درباره او گفته شده بود، برایشان توضیح داد» (لوقا ۲۴: ۲۷) تمام این تعالیم، و سایرین، در اناجیل نوشته نشده است. اما بی‌شک حداقل برخی از آنها، از طریق سنت به ما رسیده‌اند.

(ج) در چهل روزی که بعد از رستاخیز، خداوند با شاگردانش گذراند، چه چیزهایی درباره پادشاهی خدا به ایشان گفت؟ (اعمال ۱: ۳)

### سخنان خداوند درباره ملکوت خدا در کجا ذکر شده است؟

یقیناً سخنان او چنان اهمیت عظیمی داشتند که پس از رستاخیزش، بارها شاگردانش را ملاقات کرد. اما با وجود چنین اهمیتی، سخنانش در کتاب مقدس به ثبت نرسیده‌اند. به احتمال زیاد، آن سخنان مطالبی بود که به رهبران کلیسا مربوط می‌شد تا آنها درک کنند و تعلیم دهند - با پیروی از این گفته خداوند که: «به آنان تعلیم دهید که هرآنچه به شما فرمان داده‌ام به جا آورند» (متی ۲۸: ۲۰) - بدون اینکه ذکر کند این اوامر در کجا نوشته شده است.

بعید است بخواهیم تصور کنیم که آنها مفقود شده باشند، زیرا مطالب مهمی‌اند. پس چگونه به ما رسیده‌اند؟ به استثنای پولس رسول که جزء آن یازده رسولی نبود که مسیح را پس از رستاخیز دیده بودند، سایر رسولان، بسیار کم نوشته بودند و آنچه که نوشته بودند شامل تمام تعالیم مسیح نمی‌شد. تنها یک توجیه وجود دارد و آن اینکه تعالیم مسیح به رسولانش، بوسیله سنت به ما رسیده است، و آن نیز از طریق امانت رسولان است.

کلیسا با این تعالیم حیات می‌یابد، بر اساس آن گفته خداوند که می‌گوید: «سخنانی که من به شما گفتم، روح و حیات است» (یوحنا ۶: ۶۳) رسولان، روح سخنان مسیح را درک کردند و آنان را در حیات خود نقل کردند، و این سخنان از طریق حیات کلیسا به ما سپرده شدند.

سنت، حیات کلیساست و یا سنت، کلیسای زنده است.

رسولان این حیات را با تمام چیزهایی که با همدیگر از خداوند آموخته بودند به مقدسین کلیسا سپردند و به عنوان تعالیم و تکالیف زنده در حیات کلیسا بر جای گذاشتند. نظم، آیینها و رازهای کلیسا در میان آن تعالیم است.

آیا گمان می‌کنید موعظه سر کوه (متی بابهای ۵ الی ۷) تنها موعظه خداوند در طول سه سال است؟ نامعقول است.

سخنان خداوند زایل نگشتند؛ شاگردان آنها را در قلبها و گوشها و افکار خود محفوظ داشتند. آنان سخنان خداوند را از قلبهای پاکشان و از افکار مقدسشان بیرون آورده تحت عنوان «سنت» یا «امانت رسولان» به کلیسا سپردند. روح القدس بدانها همه چیز را آموخت و تمام سخنان خداوند را به یادشان آورد، بنابر وعده راستین وی. (یوحنا ۱۴: ۲۶)

### سنت از تعالیم رسولان استخراج شده است

بسیاری از رسولان، هیچ رساله‌ای ننوشتند. تعلیم آنها کجاست؟ ممکن نیست که تمام تعالیم برخی از رسولان، فقط آن چیزهایی باشد که نوشته‌اند. ممکن نیست که تعالیم یعقوب تنها به یک رساله محدود بوده باشد و همچنین ممکن نیست که یهودای رسول تنها یک باب را تعلیم داده باشد. و در مورد تعلیم سایر رسولانی که حتی یک حرف مکتوب بر جای نگذاشته‌اند چه باید گفت؟ ایشان چه تعلیمی دادند و چه چیزی برای کلیسا بر جای گذاشتند؟ به احتمال زیاد لاقلاً بخشی از آنها، از طریق سنت به ما رسیده‌اند.

رسولان وارد کنیسه‌ها شده، به تعلیم و بحث با مخالفان می‌پرداختند، با اینحال، هیچیک از آنها نوشته نشده است. آنان در اورشلیم، یهودیه و سامره موعظه می‌کردند تا زمانی که همه ایمان آورند، اما تنها بخش کوچکی از آنچه آنان موعظه کردند ثبت شده است. پولس رسول دو سال تمام در خانه‌ای در روم اقامت داشت و «پادشاهی خدا را اعلام می‌کرد و دلیرانه و بی‌پروا درباره یسوع مسیح خداوند تعلیم می‌داد». (اعمال ۲۸: ۳۰-۳۱) هیچیک از آن موعظه‌ها به صورت نوشتاری به ما نرسیده‌اند.